

# شهر و اقتصاد

## Cities and Economies

● نویسندگان: کیم یونگ هون و جان

رنه شورت

Kim, Yeong-Hyun and Short, R. John

● ترجمه: ایرج اسدی

دانشجوی دکتری شهرسازی دانشگاه تهران

### مقدمه

رابطه‌ی شهرها و انواع اقتصاد را بسیاری از رشته‌ها، در مکان‌های مختلف و با روش‌های تحقیق گوناگون بررسی کرده‌اند. پرسش‌های بنیادین بسیاری از این دست تحقیقات عبارت بودند از:

- چرا شهرها وجود دارند؟
- شهرهای اولیه چگونه شکل گرفتند؟
- چرا برخی از شهرها رشد می‌کنند در حالی که برخی دیگر دچار رکود و انحطاط می‌گردند؟
- سیاست‌گذاری‌های حکومت‌ها چگونه می‌تواند به توسعه‌ی شهرها و جلوگیری از انحطاط آنها کمک کند؟
- بیشترین و کمترین منافع از رشد شهر نصیب چه کسانی می‌شود؟
- نقش شهرها و به ویژه شهرهای بزرگ در توسعه‌ی اقتصاد ملی و منطقه‌ای چیست؟
- جهانی شدن اقتصاد چه تأثیری بر شهرها دارد؟

رشته‌های گوناگونی که در گذشته در این زمینه به طور سنتی کار کردند، به پرسش‌های بالا، پاسخ‌های متفاوتی داده‌اند. اقتصاددانان شهری تلاش کرده‌اند تا دلایل بنیادین تراکم و تمرکز فضایی فعالیت‌های اقتصادی را (که دلیل شکل‌گیری شهر است) جستجو کنند. در برابر آن، جغرافی‌دانان شهری پیامدهای چنین تمرکزی را کانون توجه قرار داده‌اند؛ پیامدهایی مانند: رشد جمعیت، جدایی‌گزینی مسکونی و حومه‌نشینی. در نهایت، سیاست‌گذاران شهری برمسائل برآمده از تجمع، مانند ازدحام ترافیک و جرم و جنایت متمرکز گشته‌اند. در این جا سه موضوع هم‌پیوند با هم در کانون توجه قرار گرفته‌اند: رشد و انحطاط شهرها، نقش شهرهای بزرگ در اقتصاد ملی و جهانی و تغییرات اقتصادی شهر در عصر جهانی شدن.

### رشد و انحطاط شهری

شهرها به دلایل گوناگون و در زمان‌های مختلف رشد یافته یا دچار انحطاط می‌گردند. پرسش پیوسته در مطالعات شهری، درباره‌ی عواملی است که باعث رشد شهری در دوره‌ای خاص می‌شود. ایجاد تغییر در منابع دارایی‌ها و ثروت‌های شهر، تبیین

آسانی برای برخی شهرها، به ویژه شهرهایی است که براساس یک یا دو رشته‌ی صنعتی پایه، مانند استخراج معدن شکل گرفته‌اند. این تبیین برای شهرهای دیگری که مهمترین رشد اقتصادی آنها از مکان جغرافیایی، مسیرهای ترابری، منابع طبیعی سرشار، کارکردهای سیاسی و مکان‌های گردشگری به دست می‌آید نیز صادق است. با وجود این گاهی اقتصاد شهری خودرأی عمل می‌کند؛ به گونه‌ای که برخی از شهرها به رونق اقتصادی می‌رسند، اما شهرهای دیگر در همان موقعیت دچار رکود اقتصادی می‌شوند.

چگونه می‌توان مسیرهای گوناگونی را که شهرهای مختلف سپری کرده‌اند تبیین کرد؟ برای رشد یا انحطاط شهرها، موقعیت جغرافیایی نقش آفرین است یا سیاست‌های اقتصادی حکومت‌ها؟ سنت‌های محلی - مانند ارزش داشتن روح کارآفرینی - چگونه بر (رشد) شهرها تأثیر می‌گذارد؟ نقش سرمایه‌ی انسانی و فرهنگی که شهرها ساخته‌اند، در این میان چیست؟ درنهایت، شانس و اتفاقات چه نقشی در رشد و انحطاط شهرها برعهده دارند؟ پژوهشگران شهری تلاش کرده‌اند تا منابع و عوامل عمده‌ی تغییرات اقتصادی شهر را به گونه‌ای تعریف کنند که برای گروه وسیعی از شهرها و در گذر زمان، فرهنگ و مکان‌های مختلف قابل تعمیم باشد. آنها با این پرسش آغاز می‌کنند که چرا شهرها وجود دارند؟

مفهوم «بازده صعودی»<sup>۲</sup> نسبت به مقیاس، مفهومی است که اغلب برای تبیین تجمع جغرافیایی فعالیت‌های اقتصادی در شهرها به کار می‌رود. به بیانی ساده، شهرها زمانی شکل گرفته و رشد می‌کنند که بازده‌های صعودی بر هزینه‌های ترابری پیشی گیرد. با وجود این، مدل‌سازی بازده‌های صعودی برای تمرکز یابی فضایی فعالیت‌ها به دلیل نبود شرایط «رقابت کامل» دچار مشکل می‌گردد. بسیاری از جغرافی دانان شهری بر این باور اتفاق نظر دارند که تمرکز یابی فضایی از راه فراهم کردن امکان سرریز فناوری و شکل دهی به شبکه‌های اجتماعی - فرهنگی [که این نیز به تداوم تمرکز کمک می‌کند]، به خودی خود، شکل‌گیری محیط اقتصادی مطلوب را به دنبال دارد. در این میان، اقتصاددانان شهری تمایل دارند تا شرایط اولیه‌ای را که سبب برهم خوردن تعادل فضایی در اولین مکان گشته و به تجمع منجر شده است را کالبد شکافی کنند. به کلام دیگر، برخی از آنها به بررسی اثرات عواملی مانند «پیوندها»<sup>۳</sup>، «اثرات جانبی»<sup>۴</sup>، «اثرات تکاثر دهنده»<sup>۵</sup>، «علیت دوری جمعی»<sup>۶</sup> در فضا و اقتصاد شهری می‌پردازند، در حالی که برخی دیگر، به علل نخستین چنین فرایندهای اقتصادی نظر دارند.

کسانی که بازده‌های صعودی را مهمترین عامل پیدایش شهرها می‌دانند، ممکن است برای تأیید ادعایشان در نظریه‌های سنتی مرتبط با شکل‌گیری شهرها، شواهد کمی پیدا کنند. چنین نظریه‌هایی بیشتر بر عوامل غیراقتصادی در پیدایش شهرها، مانند عوامل مذهبی - دینی یا نیازهای دفاعی تأکید دارند. مامفورد در اثر برجسته‌ی خود با عنوان «شهر در گذر تاریخ»<sup>۷</sup> (۱۹۶۱)، نخستین سرچشمه و نقطه‌ی ایجاد شهر را به شکل‌گیری مکان‌های گردهمایی آئینی پیوند می‌دهد که مانند مقصد زائران عمل می‌کردند؛ یعنی مکانی که خانواده‌ها و گروه‌های طوایف در ایام مناسب در آن به عزلت‌نشینی می‌پرداختند؛ زیرا آن مکان‌ها افزون بر برتری‌های طبیعی، نیروهای روحانی و فوق طبیعی نیز داشتند، نیروهایی مانند نیروی بقای طولانی مدت و کفایت بالاتر، نیروی هم‌تراز کیهانی که فرایند زندگی روزمره از داشتن آن محروم بود.

کسانی که عوامل اقتصادی را مهمترین دلیل پیدایش شهرهای نخستین قلمداد کرده‌اند، هیچ‌گاه از معادلات

در طی دوره‌ی بازرگانی و سوداگری، رشد اقتصادی شهرها با تجارت و بازرگانی بین‌المللی پیوند شدیدی داشت، از این رو در این دوره، شهرهای بندری در تقاطع مسیرهای تجاری سودآور با رشد بسیار بالایی روبرو شدند. بعد از انقلاب صنعتی، مراکز تولیدی و کارخانجات، جمعیت بسیار بالایی را با سرعت به خود جذب کرده و به دنبال آن، خود را در جبهه‌ی پیشگام تغییرات اقتصادی و اجتماعی یافتند. با وجود این، در چند دهه‌ی اخیر، بسیاری از آن شهرهای قدیمی به انحطاط اقتصادی شدیدی دچار شدند. برخی از شهرهای صنعتی با موفقیت توانستند پایه‌ی اقتصادی شهر را از راه توسعه‌ی بخش خدمات با ارزش افزوده‌ی بالا، تنوع بخشیده و برخی دیگر در این کار موفق نبوده‌اند

و نمودارهای بسیار پیچیده، برای اثبات ادعای خود استفاده نکرده‌اند. جین جیکوب، در اثر خود از روشی توصیفی برای تبیین تغییرات اقتصادی در شهرها استفاده کرده؛ وی در کتاب اقتصاد شهرها<sup>۸</sup> (۱۹۶۹) از شهری تخیلی نام می‌برد که در فلات آناتولی در ترکیه قرار داشته است<sup>۹</sup>. او از این شهر تخیلی، برای پرداخت نظریه‌ی خود بهره می‌برد که در آن شهرهای نخستین از نواحی روستایی پیرامون خود پشتیبانی می‌کردند. این نظریه بسیار مجادله برانگیز بود، زیرا این ایده پیشتر مقبول واقع شده بود که شهرها بر پایه‌ی اقتصاد روستایی شکل گرفته‌اند. جیکوب یادآوری می‌کند که رشد اقتصادی شهر به واسطه‌ی «افزوده شدن انواع جدید کار به موارد موجود»<sup>۱۰</sup> صورت گرفته است. در شهر تخیلی جیکوب، افزودن اهلی کردن حیوانات، به مجموعه‌ی کسب و کار این شهر، همانند موفقیتی بود که بسیاری از شهرهای مدرن، مانند لس‌آنجلس و توکیو، در افزودن کارخانجات جدید صادراتی به اقتصاد محلی خود، کسب کردند.

هدف ما این نیست که برای حل چگونگی مدل‌سازی تأثیر بازده‌های صعودی بر تمرکز یابی فضایی فعالیت‌ها تلاش کنیم و یا اینکه بررسی کنیم با چه شرایطی تفاوت‌های کوچک میان مکان‌ها در گذر زمان به بروز تفاوت‌های بسیار بزرگ میان آنها منجر می‌شود. این وظیفه‌ای است که اقتصاددانان شهری به انجام می‌رسانند؛ به ویژه آنهایی که در زمینه‌ی اقتصاد تجمع یا اقتصاد جغرافیایی فعالیت می‌کنند. افزون بر این به دنبال ساخت یک تئوری، درباره‌ی ریشه‌های پیدایش شهر نیز نیستیم، زیرا دانشمندان برجسته‌ای، پیشتر در زمینه‌ی پیدایش شهرها، به نظریه‌پردازی پرداخته‌اند. هدف ما در این جا بررسی دسته‌ای از عوامل اقتصادی است که رشد و انحطاط شهرهای بزرگ را در گذر زمان به همراه داشته و یا از آن تأثیر پذیرفته‌اند.

در طی دوره‌ی بازرگانی و سوداگری، رشد اقتصادی شهرها با تجارت و بازرگانی بین‌المللی پیوند شدیدی داشت، از این رو در این دوره، شهرهای بندری در تقاطع مسیرهای تجاری سودآور با رشد بسیار بالایی روبرو شدند. بعد از انقلاب صنعتی، مراکز تولیدی و کارخانجات، جمعیت بسیار بالایی را با سرعت به خود جذب کرده و به دنبال آن، خود را در جبهه‌ی پیشگام تغییرات اقتصادی و اجتماعی یافتند. با وجود این، در چند دهه‌ی اخیر، بسیاری از آن شهرهای قدیمی به انحطاط اقتصادی شدیدی دچار شدند. برخی از شهرهای صنعتی با موفقیت توانستند پایه‌ی اقتصادی شهر را از راه توسعه‌ی بخش خدمات با ارزش افزوده‌ی بالا، تنوع بخشیده و برخی دیگر در این کار موفق نبوده‌اند. تصویر فوق نمونه‌ای از این طالع نامبارک به شمار می‌آید.



نمونه کامل شهرهای صنعتی که به انحطاط شدید اقتصادی دچار شدند؛ خیابان اصلی، اوردراین، سینسیناتی، ایالت اوهایو

ناحیه اوردراین<sup>۱۱</sup> در سینسیناتی اوهایو<sup>۱۲</sup> در اواسط سده‌ی نوزدهم، مکانی متراکم از جمعیت با اقتصادی پویا و اجتماع محلی مهاجرنشین بود؛ یعنی زمانی که سینسیناتی یک شهر پیشرو در تولید کارخانه‌ای و یکی از مراکز تجارت ایالات متحده به شمار می‌آمد. با انحطاط ترابری مسیرآبی<sup>۱۳</sup> و تولید کارگاهی، تمام عوارض بیماری‌های ناشی از انحطاط شهری در این اجتماع محلی پرنشاط آشکار گشت. طرح جامع حکومت شهر اوردراین ممکن است به بازگشت آن طالع اقتصادی پرونق در آینده‌ی شهر کمک کند، اما این شهر همچنان در حال از دست دادن جمعیت است.

### نقش شهرهای بزرگ در اقتصاد ملی و جهانی

شهرهای بزرگ موهبتی به شمار می‌روند که برای جوامع انسانی ماهیتی دوگانه دارند. با فرض شدت و گستردگی یکسان مسائل شهری در شهرهای توسعه‌یافته و هم‌چنین در شهرهای در حال توسعه، اغلب تصویری ناراحت‌کننده و حتی وحشتناک از شهرهای بزرگ وجود دارد. تصویر ادبی ترسیم شده از تجربه‌ی شهر به وسیله‌ی نویسندگانی مانند چارلز دیکنز و فرانز کافکا، تصویری مغشوش و حیرت‌آور از شهرهای مدرن به ویژه شهرهای صنعتی ارائه می‌دهد. خوانندگان این دست رمان‌ها ممکن است نتیجه بگیرند، شهرهای مدرن پر از فقر، جرم و جنایت، ازدحام ترافیک و بدون تعاملات انسانی معنادار، حس اجتماع محلی و بهداشت می‌باشند. این تصور از شهری آشفته و زحمت‌افزا، تا شهری پرنشاط و پر طراوت، در آثار بسیاری از اندیشمندان تکرار شده است. موضوع فقر شهری بیشتر از ثروت شهری توجهات را به خود جلب کرده است. اگر چه نکته‌ی اشتباهی در تحقیقات دانشمندان اجتماعی، در زمینه‌ی اجتماعات فقیر شهری نمی‌توان یافت، اما با وجود این، تحقیقات بسیار کمتری در زمینه‌ی فقر شهری، نسبت به موضوع ثروت شهری انجام شده است.

در معنای دقیق کلمه، شهرهایی که دارای انبوهی از مسائل اقتصادی و اجتماعی هستند، که اغلب این شهرها بزرگ هستند، مولد رشد اقتصادی کشورهایشان نمی‌باشند، بلکه مانعی برای توسعه به شمار می‌روند. بسیاری از شهرهای بزرگ در کشورهای کم درآمد، شاهی اثبات شده و درست بر وجود زیان‌های اقتصادی جدی در شهرنشینی بزرگ مقیاس به شمار می‌آیند. چنین کشورهایی ممکن است چنین استدلال کنند که

برای بالا بردن توسعه‌ی اقتصاد ملی، ایجاد محدودیت در مسیر رشد شهری لازم است؛ اگرچه عملی بودن چنین سیاست‌هایی همیشه مجادله‌برانگیز خواهد بود.

با وجود این، می‌توان گفت که خوبی شهرهای بزرگ از بدی‌های آنها بیشتر است، حتی در شهرهای کشورهای در حال توسعه نیز بر اساس دیدگاه آلن اسکات<sup>۱۴</sup> (۲۰۰۶) در تمام موارد، منافع بلندمدت ناشی از رشد شهری بیشتر از هزینه‌های آن است. سیاست‌های برگشت قطبی شدن<sup>۱۵</sup>، که زمانی به عنوان ابزار توسعه‌ی اقتصاد ملی به شدت حمایت شد، از سوی نهادهای بین‌المللی و هم‌چنین اندیشمندان علوم منطقه‌ای دیگر توصیه نمی‌شود. اُفلرتی<sup>۱۶</sup> در کتاب اقتصاد شهر<sup>۱۷</sup> یادآور می‌شود که مشکلات شهری از همان عوامل جغرافیایی برمی‌خیزد که موجب عملکرد موفق شهرها نیز می‌شوند؛ نمی‌توان یکی را داشت بدون اینکه با دیگری روبرو شد- برای نمونه، اسکی روی آب انجام داد و انتظار داشت که خیس نشد- با وجود زیان‌ها و بروز دیگر مسائل ناشی از رشد شهری، شهرهای بزرگ مانند ماشین رشد اقتصاد ملی و در سال‌های اخیر اقتصاد جهانی عمل می‌کنند.

عامل دیگری که تهدیدی برای شهرهای بزرگ به شمار می‌رود، پیشرفت‌های فناوری در ارتباطات راه دور است؛ به ویژه این عامل در کشورهای بسیار توسعه‌یافته، تأثیرگذاری بیشتری دارد. آینده پژوهانی مانند نیکولاس نگر و پونته<sup>۱۸</sup> (۱۹۹۵) و جان نایسیت<sup>۱۹</sup> (۱۹۹۴) پیش‌بینی کرده‌اند که با فرا رسیدن عصر دیجیتال نیاز به زندگی و کار در شهرهای بزرگ به سر خواهد آمد و در چنین شرایطی، جمعیت شهرها بسیار کمتر خواهد شد. فناوری‌های اطلاعات و ارتباطات ممکن است بر تغییرات اقتصادی برخی از شهرها تأثیر گذاشته باشند؛ با وجود این، جذابیت‌های بدیهای شهرهای بزرگ و بخش تجاری آنها باز هم باقی می‌ماند؛ برای نمونه، هر روز بیش از ۱/۳ میلیون نفر برای کار به مانهاتان سفر می‌کنند (در حدود دو برابر جمعیت آن). مقاله‌ی نیویورک تایمز ادعا می‌کند که تجدید حیات مانهاتان که مکانی برای ادارات و دفاتر مرکزی شرکت‌هاست، با وجود اجاره‌های سرسام‌آور و شلوغی کلافه‌کننده‌ی ترافیک در آن، می‌تواند تا اندازه‌ای خود به نوآوری‌های فناوری نسبت داده شود که به عوامل اجرایی شرکت‌ها اجازه می‌دهد تا با کارکنان خود دورا دور در ارتباط باشند.

شهرهای بزرگ در اقتصاد سرمایه‌داری مکان‌های بهره‌وری و کارایی بالا در تولید محسوب می‌شوند. آنها از طریق تجارت، صنعتی شدن، مدرنیزاسیون، دولت‌سازی، مهاجرت از/ به شهرها و اکنون جهانی شدن، به رشد بسیار شگفت‌انگیزی دست یافته‌اند. اهمیت شهرهای بزرگ در توسعه‌ی ملی و هم‌چنین در توسعه‌ی جهانی در بسیاری از آثار دانشگاهی تأکید شده است. اُفلرتی به زبان ساده بیان می‌کند که «زندگی بدون شهرها بسیار پست‌تر و فقیرانه‌تر از اکنون خواهد بود- نه تنها برای ساکنان شهرها، بلکه برای تمام کسانی که کالاها و خدمات مصرفی آنها در شهرها تولید می‌شود و هم‌چنین کسانی که سطح درآمد بالایی دارند؛ زیرا [برای دستیابی به کیفیت زندگی بالاتر] توانسته‌اند به شهرها مهاجرت کنند. این نکته‌ها برای تمام کسانی که در دنیا زندگی می‌کنند، صادق است.» ساویچ<sup>۲۰</sup> (۱۹۹۶) مدعی است که «مراکز شهری همیشه در تولید ثروت ملی پیشرو بوده‌اند و اکنون بسیاری از شهرها جایگاه ویژه‌ای در عصر جهانی دارند». تحسین وی از شهرهای بزرگ در کتابی که به همراهی همکارش<sup>۲۱</sup> در سال ۲۰۰۲ منتشر

شده، ادامه یافته است: «شهرها به منزله‌ی کوره حوادث هستند که از طریق آنها آزمایشات بسیار سخت به امری عادی بدل می‌شود. آنها مأمّن و مادر نوآوری و ابتکارات هستند؛ که به واسطه‌ی حضور توده‌ی متفکر و وجود تنوع و تعاملات ارزشمند امکان‌پذیر می‌گردد. شهرها محیطی متراکم هستند که مردم در آنها سازگاری یافته و توان جهش آنها [به سوی پیشرفت] آزمون می‌شود و شهرها در گذر سده‌ها، برای تحقق این نقش به آرامی رشد کرده‌اند».

اکنون تغییرات شهری در شهرهای بزرگ، با گسترش شناخت از چهارچوب جهانی - محلی در تحقیقات علوم اجتماعی، درون زمینه‌ای جهانی<sup>۲۲</sup> بررسی می‌شود. اثرات جهانی شدن بر شهرها، در قلمروهایی مانند تجدید ساختار اقتصادی، نوسازی مراکز درون شهری، سیاست شهری نئولیبرال، قطبی شدن اجتماعی و شیوه‌های زندگی چند فرهنگی و جز آن، آشکار می‌گردد. فرضیه‌ی جهان‌شهر جان

مراکز شهری همیشه در تولید ثروت ملی پیشرو بوده‌اند و اکنون بسیاری از شهرها جایگاه ویژه‌ای در عصر جهانی دارند

فریدمن<sup>۲۳</sup> - که بر اساس آن تغییرات شهری می‌تواند با ارجاع به فرایندهای اقتصادی جهان‌نگر<sup>۲۴</sup> تبیین گردد - الهام‌بخش بسیاری از اندیشمندان شهری در پذیرش دیدگاه‌های جهانی‌تر در تحقیقات‌شان گشته است. تا پیش از انتشار اثر فریدمن، پیوندهای جهانی - محلی به ندرت در بررسی موضوعات شهری جهان توسعه‌یافته، به ویژه آمریکای شمالی مطرح می‌شد، جایی که پویایی اقتصاد شهری به ندرت با نیروهای برون مرزی، مانند شبکه‌های بین‌المللی کالاها، سرمایه و مهاجرین هم‌پیوند قلمداد می‌شد.

بر خلاف رویه‌ی پیشین، به دنبال ارائه‌ی مدل «کلانشهر - شهرهای اقماری» از آندر گوندر فرانک<sup>۲۵</sup> در سال ۱۹۶۶، شهرنشینی جهان سوم همیشه درون زمینه‌ی فرایندهای اقتصادی و سیاسی بین‌المللی تحلیل می‌شد. نیروهای بیرونی و اغلب مرتبط با استعمارگرایی و فرا - استعمارگرایی، مدت زمان طولانی است که در مطالعه و تحلیل شهرهای بزرگ جهان در حال توسعه استفاده می‌شود.

با وجود این، در انفجار اخیر تولید آثار مرتبط با جهان‌شهرها، مطالعات موردی اندکی درباره‌ی جهان‌شهرهای جهان سومی به چشم می‌خورد؛ زیرا به نظر می‌رسد تعداد اندکی از آنها در رهبری و کنترل جهانی شدن اقتصاد نقش آفرینی دارند. طعنه‌آمیز اینکه، موج جدید تحقیقات جهان‌شهری بر پایه‌ی مطالعات موجود شهرنشینی جهان سومی بنیاد گذاشته نشده است و این مطالعات به طرز گسترده‌ای بعد جهانی شهرهای جهان سومی را نادیده می‌گیرند. با وجود مطالعات گسترده در این زمینه، همچنان این پرسش وجود دارد که چگونه شهرهای بزرگ، چه جهان‌شهرهای کشورهای توسعه‌یافته و چه شهرهای جهان سومی، دگرگون شده و روابط خود را با اقتصاد ملی و جهانی تجدید ساختار کرده‌اند.

### تغییرات اقتصاد شهر در عصر جهانی شدن

در کتاب «چشم‌انداز بی‌قرار شهری»<sup>۲۶</sup> پل ناکس<sup>۲۷</sup> (۱۹۹۳) و نویسندگان دیگر کتاب، ساخت و تجدید ساختار چشم‌اندازهای شهری را در پاسخ به کشش‌ها و نیروهای در ذات پویای اقتصاد و جامعه‌ی سرمایه‌داری به تصویر کشیده‌اند. پویایی سیستم سرمایه‌داری ممکن است پاسخ نهایی

## پی‌نوشت‌ها:

۱- این مقاله برگرفته از فصل اول کتاب زیر است:

Kim, Yeong-Hyun and Short, R. John, (2008), *Cities and Economies*, Routledge, Pages.1-9

2- Increasing Returns

3- Linkages

4- Externalities

5- Multiplier Effects

6- Circular Cumulative Causations

7- The City in History, 1961

8- The Economy of Cities, 1969

۹ - وی نام New Obsidian را بر این شهر تخیلی خود ساخته گذاشت.

10- Adding New Kinds of Work to the Existing

11- Over-the-Rhine Area

12- Cincinnati, Ohio

13- Canal Transportation

14- Allen Scott, 2006

15- Polarization Reversal

16- O'Flaherty, 2005

17- City Economics

18- Nicholas Negroponte

19- John Naisbitt

20- Savitch, 1996

21- Savitch and Kantor, 2002

22- Global Context

23- John Friedmann's (1986) World City Hypothesis

24- Worldwide Economic Process

25- Andre Gunder Frank's Metropole-Satellite Model, 1966

26- The Restless Urban Landscape

27- Paul Knox

28- World City Network

29- Global Urbanism

30- Anglo-American cities

31- Deindustrialization

32- Suburbanization

33- United Nations Human Settlements Programme publications (UN-HABITAT)

به این سؤال باشد: «چه عللی موجب وقوع بی‌امان تغییرات در اقتصاد شهر می‌گردد؟ واژه‌هایی مانند «شهر سرمایه‌داری»، «شبکه‌ی جهان‌شهر»<sup>۲۸</sup>، و «شهرگرایی جهانی»<sup>۲۹</sup> (یا فرا - ملی) بیانگر این است که ساختارهای اقتصاد شهری، چشم‌اندازهای شهری و شیوه‌های زندگی شهری قابل‌سنجشی در سطح جهان وجود دارد و اینکه سرمایه‌داری شباهت‌های موجود در تغییرات شهری جهانی را تبیین می‌کند. با وجود این، برخی نیروهای مستقل از سرمایه‌داری نیز وجود دارد که بر تغییرات اقتصاد شهر تأثیر می‌گذارد. برای بررسی این نیروها باید از قلمروی شهرهای آمریکایی - انگلیسی تبار<sup>۳۰</sup> فراتر رفت.

با فرض وجود تنوع جهانی در حوزه‌ی سیاست، جغرافیا، فرهنگ و تاریخ، تعریف عللی جهان‌شمول برای تبیین تغییرات اقتصاد شهر می‌تواند بسیار چالش برانگیز باشد. بدیهی است پیشرفت‌های فناوری، بر همه‌ی انواع اقتصاد شهری در جهان معاصر تأثیر گذاشته است. اما فراتر از این علت جهان‌شمول، نیروهای اندکی می‌توان سراغ گرفت که سبب تغییرات شهری مشابهی در جهان توسعه‌یافته و هم‌چنین در حال توسعه شده‌اند.

اندیشمندان شهری در این موضوع هم‌فکرند که آمیزه‌ی نیروهای به دست آمده از صنعت‌زدایی<sup>۳۱</sup> و حومه‌نشینی<sup>۳۲</sup>، همراه با جهانی شدن، نقشی اساسی در تغییرات اقتصادی اخیر در شهرهای آمریکا بازی کرده‌اند. هم‌چنین این فرایندها می‌توانند به تبیین تغییرات اخیر در اقتصاد بسیاری از شهرهای اروپایی کمک کنند. با وجود این، حمایت‌های بین‌حکومتی و فرهنگ سیاسی سطح محلی در شهرهای اروپایی تفاوت زیادی با شهرهای آمریکایی دارد. افزون بر این، موج مهاجرت‌های درونی نیز ساختار اقتصادی بسیاری از شهرهای غربی را تغییر داده و هم‌چنان در حال عمل است. نیروهای جدیدی را می‌توان به سه نیروی ترکیبی پیشین (صنعت‌زدایی، حومه‌نشینی و جهانی شدن)، برای تبیین تغییرات اقتصادی شهرها افزود، اما این سه عامل، در ایالات متحده و هم‌چنین در اروپای غربی از عوامل کلیدی در رخداد تغییرات اقتصادی شهرها به شمار می‌آیند.

این مسئله روشن نیست که چگونه می‌توان تجربیات شهری

- 34- Concept of Post-colonial Urbanism  
 35- Jennifer Robinson, 2006  
 36- Ordinary Cities  
 37- Cosmopolitan Source

### منابع برای مطالعه بیشتر:

- Jacobs, Jane, (1969), *The Economy of Cities*, New York: Random House. The Late Urban Studies legend Jane Jacobs Writes About How Certain Cities Continue to Grow by Adding New Work to the Old. It is a Must-Read Book for Those Who are Interested in Urban Growth/Decline.
- O'Flaherty, Brendan, (2005), *City Economics*, Cambridge: Harvard University Press. This Introductory Book Discusses a Wide Range of Urban Economic Issues and Public Policies, Including Housing, Mass Transit and Crime, in an Accessible and Engaging Style.
- Savitch, H.V. and Paul Kantor, (2002), *Cities in the International Marketplace: The Political Economy of Urban Development in North America and Western Europe*, Princeton: Princeton University Press. This Book Examines Comparatively Development Policies at Ten Cities in North America and Western Europe. The Authors Argue That Urban Economic Development Policies are Formulated at the Juncture of Local Politics and the International Market Place.
- Short, John Rennie and Yeong-Hyun Kim, (1999), *Globalization and the City*, New York: Longman. The Authors Look at the Impact of Economic, Cultural and Political Globalization on World Cities.

کنونی را در آفریقا، آسیا و آمریکای لاتین در قالب چند فرایند محدود تعمیم‌پذیر ساخت. برخی، از موجه بودن تلاش‌ها برای تعمیم‌پذیر ساختن تجربیات وسیع این دسته کشورها بحث می‌کنند. تأکید بر فقر که فرایند اقتصادی مهمی است، ممکن است در شهرهای جهان سومی فایده چندانی نداشته باشد؛ زیرا از مفهوم ثروت در معنای دقیق کلمه، برخلاف فقر، برای تحلیل تغییرات اخیر در شهرهای امریکا و یا اقتصاد اروپا استفاده نمی‌شود (دستکم در مطالعات شهری). هنوز صنعت‌زدایی و مدرنیزاسیون، همراه با فقر، چهارچوب‌های غالب تحقیق در مطالعه‌ی تغییرات شهری شهرهای جهان سومی به شمار می‌روند. این مفاهیم در پیوند با فرایندهای مهاجرت روستا-شهری و شهرنشینی شتابان و همه‌گیر، موجب تقویت بیش از پیش تصور کابوس‌وار از شهرهای جهان سومی در حوزه‌ی برنامه‌ریزی و حکمروایی شهری می‌گردد. واقعیت ناراحت‌کننده این است که با وجود گزارش‌های فراوان، مانند مجموعه انتشارات برنامه‌ی اسکان بشر سازمان ملل متحد<sup>۳۳</sup> (گزارش‌های هیئتات)، در زمینه‌ی دشواری‌ها و معضلات اقتصادی و آلودگی‌های شهری در شهرهای جهان سومی، تاکنون تلاش‌های بسیار کمی در زمینه‌ی تئوری‌پردازی شرایط اقتصاد شهری شهرهای جهان سومی صورت گرفته است.

مفهوم شهرگرایی فرا - استعمارگرا<sup>۳۴</sup>، از جمله تلاش‌های معدودی است که برای پیوند دادن دیدگاه‌های تئوریک با مطالعات تاریخی و تجربی این دسته شهرها صورت گرفته است. جنیفر رایبسون<sup>۳۵</sup> در کتاب خود با نام «شهرهای معمولی»<sup>۳۶</sup> خواستار انجام مطالعات شهری فرا - استعمارگرا می‌شود، که در قالب آن شهرهای جهان سومی بر اساس آنچه که ندارند و یا بر اساس آنچه حکومت‌هایشان قادر به انجام آن نیست، بررسی و قضاوت نمی‌شوند. در برابر آن، آنها باید منبعی جهان وطنی<sup>۳۷</sup> (قابل استفاده برای تمام جهان) برای تئوری‌پردازی شهری قلمداد شوند. اگرچه می‌توان گفت شهرهای غربی مکان‌هایی منحصر به فرد و انحصاری برای ایجاد مفاهیم و تئوری‌های بنیادین مطالعات شهری بوده‌اند، اما با وجود این، درک فرا - استعمارگرا از شهر، تجربیات و الهامات و آموزه‌های متنوع‌تری فراروی اندیشمندان شهری قرار خواهد داد.